

روشنگر طریق جهاد و اجتهاد...

■ درنگی در حیات سیاسی شهید آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر

دکتر محمد حسن رجیبی *



شهید گرانقدر، آیت الله العظمی سید محمد باقر (قده)، عالم و مجاهد برجسته شیعه عراق، در ۲۵ ذیحجه ۱۳۵۳ ق. در شهر کازمین به دنیا آمد. وی فرزند سید حیدر و نوه مجاهد معروف، سید اسماعیل صدر و از خاندان معروف صدر بود. در سه سالگی پدرش را از دست داد و مادر فاضله اش (دختر شیخ عبدالحسین آل یاسین)، تربیت و پرورش او را به عهده گرفت و برادر بزرگش سید اسماعیل او را تعلیم داد. در پنج سالگی به مدرسه رفت و اندکی بعد آوازه نبوغ بی نظیر و استعداد سرشارش در همه شهر پیچید و به سفارش دایه‌های خود، شیخ محمدرضا آل یاسین و شیخ مرتضی آل یاسین، به تحصیل حوزوی روی آورد. منطق و معالم را در دوازده سالگی نزد برادرش خواند و بسیاری از کتب درسی دوره عالی فقه و اصول را بدون استاد مطالعه کرد و دروس دوره سطح را در مدت کوتاهی گذراند و در ۱۳۶۵ ق. برای ادامه تحصیل از کازمین عزم نجف اشرف شد و در درس دایه خود، شیخ محمدرضا آل یاسین و آیت الله خوبی، حاضر شد و به واسطه نبوغ و هوشمندی کم نظیرش، مورد توجه خاص او قرار گرفت.

وی تا پیش از رسیدن به سن بلوغ به مرحله اجتهاد رسید و در یازده سالگی صاحب فتوا شد. وی علاوه بر دروس جاری حوزه،

فلسفه را نیز نزد شیخ صدرا بادکوبه‌ای آموخت و فلسفه‌های متأخر اروپایی را نیز به دقت مطالعه کرد.

سید محمد باقر صدر در بیست سالگی به تدریس کتاب کفایه الاصول پرداخت و در بیست و پنج سالگی، تدریس دوره خارج اصول و در بیست و هشت سالگی دوره خارج فقه را بر اساس کتاب عروه الوثقی آغاز کرد و نوآوری‌هایی را در هر دو حوزه فقه و اصول ارائه داد. در کنار تألیف و تصنیف در اغلب رشته‌های علوم اسلامی، به تعلیم و تربیت شاگردان فاضل و متعهد، توجه خاصی مبذول داشت. وی فقهی دانشمند، آگاه به مسائل و نیازهای فکری و سیاسی جهان اسلام و شجاع و پرهیزگار بود. در سال ۱۳۳۷/۱۹۵۸ که ژنرال عبدالکریم قاسم، رژیم سلطنتی عراق را برانداخت و حکومت جمهوری را در آن کشور اعلام کرد، کمونیست‌ها با استفاده از آزادی عمل سیاسی که قاسم برای آنها به وجود آورده بود، موجی از تبلیغات الحادی و ضد اسلامی را در عراق به راه انداختند. از این رو گروهی از علمای شیعه عراق برای رویارویی با این هجوم تبلیغاتی، «جماعه العلماء نجف» را تأسیس کردند که هر چند سید محمد باقر عضو آن نبود، لکن نقش رهبری اصلی جمعیت را بر عهده داشت. جماعه العلماء برای مقابله با حرکت‌های کفرآمیز حکومت عراق، به صدور بیانیه، اعلامیه و انتشار نشریات سیاسی و ایدئولوژیک اقدام کرد. مجله الاضواء که در ۱۹۶۱ منتشر شد؛ از آن جمله و سرمقاله‌های پنج شماره اول آن با عنوان «رسالتنا» به قلم شهید صدر بود.

وی به پیشنهاد آیت الله سید محسن حکیم و به منظور رد مکتب فلسفی کمونیسم و طرح مکتب فلسفی اسلام و برتری‌های آن، کتاب فلسفتنا (فلسفه ما) را در سال ۱۳۷۹ ق. و پس از آن برای معرفی نظام اقتصادی اسلام و امتیازات آن نسبت به نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی و سرمایه‌داری، کتاب اقتصادنا (اقتصاد ما) را در سال ۱۳۸۱ ق. تألیف و منتشر کرد.

در ربیع‌الاول ۱۳۷۷ ق.، گروهی از علمای آگاه و مجاهد عراق در صدد برآمدند تا حزبی را بر اساس ایدئولوژی اسلامی تأسیس کنند و آن را «حزب الدعوة الاسلامیه» (حزب دعوت اسلامی) نامیدند. آیت الله صدر علاوه بر تأیید آن حزب، برنامه و اساسنامه آن را نیز تدوین کرد، اما اعتقاد داشت شأن روحانیون ایجاب می‌کند که در تشکیلات و سازمان‌های سیاسی وارد نشوند و از جایگاه والای معنوی روحانیت، ایفای نقش کنند و خود نیز به توصیه آیت الله حکیم، از حزب کناره گرفت.

بعد از تبعید امام به ترکیه، با امام ابراز همدردی کرد و پس از تبعیدشان به نجف اشرف در ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۸۵ ق.، به همراه گروهی از علمای نجف از امام به گرمی استقبال کرد و طی اقامت سیزده ساله امام در عراق، روابط نزدیک و دوستانه‌ای با ایشان داشت.

پس از رحلت آیت الله حکیم در سال ۱۳۴۹، دوران مرجعیت آیت الله صدر آغاز شد و بسیاری از مردم عراق از او تقلید کردند. در همان سال‌های کوشید تا اهداف و سازمان مناسب و شایسته‌ای، متناسب با تحولات فکری و اجتماعی جامعه ایجاد کند و جلسات منظمی را نیز بدان منظور تشکیل داد. از نظر او

حکومت آرمانی در عصر غیبت، حکومت اسلامی بود که بر دو پایه ولایت فقیه و شورا قرار داشت. وی پس از رسیدن به مقام مرجعیت، در فتوای تاریخی خود، حزب بعث را تکفیر کرد. متن این فتوا چنین است:

«به اطلاع عموم مسلمانان می‌رساند که پیوستن به حزب بعث، تحت هر عنوانی، شرعاً حرام است و هر گونه همکاری با آن به منزله یاری ظالم و کافر و دشمنی با اسلام و مسلمین است.»

حدود دو سال بعد که رژیم بعث عراق از فعالیت‌های حزب الدعوة و دیگر گروه‌های مبارز به وحشت افتاد، بسیاری از مبارزان و مجاهدان را به زندان انداخت و در ماه رجب سال ۱۳۹۲ ق.، سید محمد باقر صدر را که در بیمارستان نجف بستری بود، دستگیر و به بیمارستان کوفه منتقل کرد. اما به علت اعتراض گسترده مردم و علما و ناگزیر شد او را آزاد کند. رژیم عراق برای ارباب آیت الله صدر و دیگر مجاهدان در سال ۱۳۹۴ ق.، پنج تن از شاگردان وی را دستگیر و اعدام کرد. در اربعین ۱۳۹۷ ق.، به دستور آیت الله صدر، تظاهرات ده‌هزار نفری عزاداری حسینی در شهرهای کربلا و نجف، به تظاهراتی بر ضد رژیم بعثی تبدیل شد. روز بعد مأموران امنیتی رژیم عراق، تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را دستگیر، زندانی و شکنجه کردند. آیت الله صدر نیز برای دومین بار دستگیر و پس از چند ساعت شکنجه جسمی و روحی آزاد شد.

رژیم بعثی عراق برای خنثی کردن فعالیت‌های آیت الله



پس از پیروزی انقلاب، وی طی نامه‌هایی، به شاگردان و مریدانش در ایران دستور داد که با مردم انقلابی ایران همگام شوند و از فداکاری در راه پیروزی انقلاب اسلامی دریغ نورزند و خود را در اطاعت از امام خمینی فانی سازند، همانگونه که او خود، در راه تحقق اهداف و آرمانهای اسلامی ذوب شده است.

صدر، گروهی از روحانی نمایان را به عنوان امام جماعت و اعظ مساجد شهرها فرستاد، اما این بار نیز آیت الله صدر طی فتوایی این حرکت رژیم را ناکام گذارد و اعلام داشت:

«به اطلاع عموم مسلمین عراقی می‌رساند که شرکت در نماز جماعت کسانی که از سوی مراجع مسلمین تعیین نشده‌اند، از نظر شرع مقدس اسلام، حرام است.»

با او جگیری انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی در ۱۳۵۷، رژیم عراق که از ایجاد انقلاب مشابهی در عراق به شدت



۱۳۴۲، نجف، از راست، اول مرحوم آیت‌الله العظمی خویی، دوم مرحوم آیت‌الله العظمی سید عبدالله شبر زری، چهارم شهید آیت‌الله صدر.



وحشیانه، در ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۰ق / ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ به شهادت رسید و تحت نظر شدید مأموران امنیتی در آرامگاه خانوادگی شرف‌الدین در نجف اشرف به خاک سپرده شد. پس از چند روز که خبر شهادت آیت‌الله صدر قطعی شد، امام خمینی، طی پیامی که در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ صادر کرد؛ از وی به عنوان «شخصیت علمی و مجاهد که از مفاخر حوزه‌های علمیه و از مراجع دینی و متفکران اسلامی بود» یاد و به همان مناسبت از روز ۳ اردیبهشت سه روز عزای عمومی اعلام کرد. آیت‌الله سید محمدباقر صدر در اغلب رشته‌های علوم اسلامی



در بغداد از او خواستند تا چند کلمه‌ای بر ضد انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی بنویسد تا از مرگ حتمی نجات یابد، اما او آشکارا این تقاضا را رد کرد و بر راه مستقیم و خلل‌ناپذیرش تأکید کرد.

تبحر داشت. وی معتقد بود که باید در درس حوزه‌های علمیه تحولی پدید آید و طلاب و روحانیون نباید فقط به درسهای معمول فقه و اصول اکتفا کنند، بلکه باید با مسائل علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدید آشنا شوند. به نظر وی کتابهای درسی مرسوم در حوزه‌ها به ویژه در محبت فقه و اصول، پیچیده و ناهماهنگ با شرایط روز بود و قدیمی هستند. در این کتابها مسائلی مطرح شده‌اند که امروزه به کلی منسوخ و متروک هستند. وی در این زمینه دست به تألیفات زد و ضمن ساده‌نویسی مطالب کتابهای قدیمی، آنها را در طرحی نو و روشی جدید برای طلاب فقه و اصول به نگارش درآورد و بدین وسیله توانست تحول عظیمی را در حوزه‌های علمیه به وجود آورد. وی این کار را با دو تألیف الفتاوی الواضحه (در فقه) و دروس فی علم الاصول (در اصول) انجام داد. آثار دیگر او از این قرارند: فک فی التاریخ، غایبه الفکر فی علم الاصول، فلسفتنا، اقتصادنا، المعالم الجدیدة لاصول، الانس المنطقیة فی استقراء، بحوث فی شرح عروه الوثقی، المدرسه الاسلامیة، بحث حول المهدی، بحث حول الولایة، الاسلام یقود الحیاه، دور الائمة فی الحیاه الاسلامیة، نظام العبادات فی الاسلام.

* محقق تاریخ معاصر ایران و مؤلف دایره‌المعارف علمای مجاهد.

عراق درآمد و رفت و آمد به خانه وی ممنوع شد، حتی از ورود سفیر ایران به منزل وی جلوگیری به عمل آمد. آیت‌الله صدر به منظور روشنگری سیاسی، درس تفسیر قرآن تشکیل داد که در آن گروه زیادی از عموم طبقات مردم شرکت می‌کردند. این درس تا چهارده جلسه ادامه یافت. رژیم بعث عراق که از تشکیل چنین جلساتی به شدت هراس داشت، بسیاری از نمایندگان آیت‌الله صدر و دیگر افراد مؤمن و انقلابی را که تعداد آن به هزاران نفر می‌رسید، در سراسر کشور دستگیر کرد. آیت‌الله صدر به منظور اعتراض به این اقدام ضد انسانی، در روز ۱۶ رجب ۱۳۹۹ق، با اعتصاب عمومی اعلام کرد. به دنبال آن بازارهای عراق تعطیل شدند و مردم نجف به سمت خانه

آیت‌الله صدر شتافتند. فردای آن روز، آیت‌الله صدر دستگیر شد و به بغداد انتقال یافت. اما بر اثر تظاهراتی که در نجف، کاظمین و دیگر شهرها به طرفداری از او بر پا شد، رژیم بعث به ناچار او را آزاد کرد و در روز ۱۸ رجب، مردم نجف گروه گروه برای دیدار و بیعت با وی به منزل او رفتند. رژیم بعث عراق که با وجود آیت‌الله صدر، پایه‌های قدرتش را در خطر جدی می‌دید، در صدد قلع و قمع آیت‌الله صدر و هواداران او برآمد. از این رو خانه‌اش در نجف محاصره شد که مدت نه ماه به طول انجامید. در طی این مدت، برخی از نمایندگان حزب بعث با او ملاقات کردند و تصمیم رژیم را مبنی بر همکاری با آن و یا شهادت وی، به اطلاعش رساندند. رژیم از او خواست تا تأیید انقلاب اسلامی و امام خمینی دست بردارد، با صدور بیانیته‌ای از مواضع حزب بعث حمایت و عضویت در حزب الدعوه را تحریم کند و فتاوی تحریم حزب بعث را پس بگیرد، اما او شهادت را بر تسلیم در برابر چنین شرایط ننگینی ترجیح داد.

در ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۰ق / ۱۶ فروردین ۱۳۵۹، بار دیگر آیت‌الله صدر در نجف اشرف دستگیر و به بغداد منتقل شد. در بغداد از او خواستند تا چند کلمه‌ای بر ضد انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی بنویسد تا از مرگ حتمی نجات یابد، اما او آشکارا این تقاضا را رد کرد و بر راه مستقیم و خلل‌ناپذیرش تأکید کرد. در نتیجه پس از سه روز شکنجه‌های

نگران بود. در صدد تخطئه انقلاب اسلامی ایران برآمد، اما آیت‌الله صدر با آگاهی از اهداف بعثیهای عراق، در نامه‌ای که به امام در پاریس نوشت، از قیام شکوهمند و شجاعانه مردم مسلمان ایران به رهبری امام تجلیل کرد و با تمام اخلاص و شجاعت، آمادگی خود را برای همکاری با رهبر انقلاب و امت قهرمان ایران اعلام داشت. پس از آن نیز نامه‌هایی به شاگردان و مریدانش در ایران نوشت و به آنان دستور داد که با مردم انقلابی ایران همگام شوند و از فداکاری در راه پیروزی انقلاب اسلامی دریغ نوزند و خود را در اطاعت از امام خمینی فانی سازند. همانگونه که او خود، در راه تحقق اهداف و آرمانهای اسلامی ذوب شده است. در فتاوی نیز شهادت انقلاب اسلامی را همچون شهادت قیام امام حسین (ع) دانست. این فتاوی مهم، تبلیغات سوء و مغرضانه رژیم بعثی را بر ضد انقلاب اسلامی خنثی کرد و موجب اظهار همدردی مردم مسلمان عراق با مردم ایران شد.

در فردای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، (۲۳ بهمن ۱۳۵۷)، آیت‌الله صدر که بسیار شادمان بود، در میان انبوهی از مردم و طلاب انقلابی در مسجد جواهری نجف سخنرانی کرد. او پس از شکرگزاری از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بر پیروی از اوامر امام خمینی و آگاهی از توطئه‌های دشمن انقلاب اسلامی تأکید کرد و از مردم خواست که به نشانه همبستگی مردم عراق با انقلاب اسلامی ایران، فردای آن روز تظاهراتی را در شهرهای عراق برگزار کنند و معاقب آن، تظاهرات باشکوهی در شهرهای کربلا و نجف و سایر شهرها به راه افتاد. آیت‌الله صدر، طی پیامی به امام خمینی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران را تبریک گفت و در پیامی دیگر به ملت ایران، از قهرمانیها و فداکاریهای آنان ستایش و به ادامه تبعیت از امام سفارش کرد. مدتی بعد نیز به مناسبت شهادت آیت‌الله مطهری، مجلس ختم باشکوهی در مسجد جواهری نجف برگزار کرد و گروه کثیری از طبقات مختلف مردم در آن شرکت کردند.

در ۱۳۵۸، آیت‌الله صدر، رساله «الاسلام یقود الحیاه» را به عنوان مقدمه‌ای برای قانون اساسی نوشت و نماینده‌ای را به عنوان رابط میان خود و امام خمینی تعیین و روانه ایران کرد. در همان سال طی فتاوی مشهور و تکان دهنده‌ای، مردم عراق را به براندازی رژیم بعثی عراق دعوت کرد و نوشت: «بر همه ملت مبارز و مسلمان عراق، واجب کفایی است که به قیام مسلحانه بر ضد حزب بعث و سردمداران آن، اقدام و مسئولان این حزب کافر را ترور کنند تا خود را از چنگال این دژخیمان خونخوار نجات دهند.»

به دنبال آن، خانه آیت‌الله صدر به محاصره مأموران امنیتی

